



جزئیات صحنه نیز معنا دارند و به فراز و فرود زندگی آدم‌های قصه اشاره می‌کنند. از ابتدا تصویر نسبتاً مشخصی از این جهان در ذهن داشتیم.

○ مخاطب امروز تا چه اندازه آماده مواجهه با آثاری است که پاسخ قطعی ارائه نمی‌کنند؟

به نظرم وظیفه تئاتر پیش از پاسخ دادن، پرسشگری است. این را از استاد سمندرمان آموخته‌ام. ما قرار نیست برای همه مسائل پاسخ آماده داشته باشیم. مهم این است که پرسش ایجاد کنیم و مخاطب را به فکر واداریم. «کشتارگاه» هم پیش از آنکه پاسخی ارائه کند، تلاش می‌کند پرسش‌هایی را پیش روی تماشاگر قرار دهد.

○ «کشتارگاه» چه جایگاهی در مسیر کاری شما دارد؟

برای من تجربه‌ای متفاوت است. همیشه تلاش کرده‌ام خودم را تکرار نکنم. از «شوق» تا «آبی‌گونه» و حالا «کشتارگاه». هر اثر جهان متفاوتی داشته است. بیش از آنکه به پختگی فکر کنم، به تجربه‌گرایی علاقه دارم و دوست دارم هر بار به سراغ فضایی تازه بروم.

○ اگر قرار باشد مخاطب با یک حس از سالن خارج شود، آن حس چیست؟

دوست دارم مخاطب بعد از خروج از سالن همچنان به نمایش فکر کند. برایم مهم است که فقط یک جمله یا یک تصویر در ذهن او نماند، بلکه با جهان اثر درگیر شود؛ با نسبت عشق و خشونت، با تقابل ست و مدرنیته و با این پرسش که آیا خودش نیز در زندگی قربانی چنین وضعیت‌هایی بوده است یا نه.

○ صحبت پایانی؟

امیدوارم مخاطبان در روزهای باقی‌مانده اجرا فرصت تماشای «کشتارگاه» را پیدا کنند. تلاش ما این بوده که در دل فضایی که ظاهرآ خشن است، از عشق، شاعرانگی و انسانیت حرف بزنیم و امیدوارم این جهان برای تماشاگر نیز قابل لمس و تأمل برانگیز باشد.



سلمان خلیلیان، بازیگر و تهیه‌کننده:

هنرمندان باید به آرامش جامعه کمک کنند

سلمان خلیلیان، بازیگر و تهیه‌کننده نمایش «کشتارگاه»، معتقد است آنچه این اثر را از یک روایت صرفاً تلخ و خشن متمایز می‌کند، نگاه شاعرانه و عاشقانه‌ای است که کاوه مهدوی در دل یک جهان تراژیک خلق کرده است. او در این گفت‌وگو از تجربه هم‌زمان بازیگری و تهیه‌کنندگی، دشواری‌های تولید تئاتر در شرایط امروز و ویژگی‌های نقش «حاتم» گفت.

○ شما در «کشتارگاه» هم بازیگر هستید و هم تهیه‌کننده. این دو مسئولیت هم‌زمان چه تأثیری بر نگاه شما به پروژه داشت و کدام‌یک چالش برانگیزتر بود؟

در ابتدا پیشنهاد حضور در «کشتارگاه» به عنوان بازیگر و برای ایفای نقش حاتم مطرح شد. حدود دو سال پیش هم قرار بود این نمایش روی صحنه برود اما به دلیل مشغله‌های کاری امکان حضور در تمرین‌ها را نداشتیم. وقتی پروژه دوباره شکل گرفت، این بار فرصت همکاری فراهم شد و در کنار بازیگری، تهیه‌کنندگی را هم پذیرفتم. واقعیت این است که بازیگری و تهیه‌کنندگی دو جهان کاملاً متفاوت هستند. نقش حاتم به دلیل پیچیدگی‌های شخصیتی و چالش‌های اجرایی برایم جذاب بود اما تهیه‌کنندگی نیز مسئولیت سنگینی دارد؛ به‌خصوص در شرایط فعلی تئاتر. آنچه باعث شد این مسئولیت را بپذیرم، شناسایی بود که از کاوه مهدوی، نگاه او و نمایشنامه «کشتارگاه» داشتیم.

○ چه چیزی در متن و جهان نمایش «کشتارگاه» شما را متقاعد کرد که علاوه بر بازیگری، در مقام تهیه‌کننده نیز کنار این پروژه قرار بگیرید؟

سال‌هاست با کاوه مهدوی همکاری می‌کنم و به جهان ذهنی و دغدغه‌های او آشنا هستم. نمایشنامه «کشتارگاه» برای من صرفاً یک متن نمایشی نبود؛ اثری بود که دغدغه‌های انسانی و اجتماعی مشخصی داشت و در عین حال از ظرفیت بالایی برای خلق یک اثری تأثیرگذار برخوردار بود. از سوی دیگر تجربه حضور این نمایش در جشنواره تئاتر شهر و انتخاب آن به عنوان اثر برگزیده، اعتماد من را نسبت به کیفیت نهایی کار بیشتر کرد و همین موضوع انگیزه مضاعفی برای حضور در جایگاه تهیه‌کننده به من داد. از طرفی، کاوه مهدوی برای من قیل از هر چیز یک نمایشنامه‌نویس توانمند است. قلم او ویژگی‌های خاص خودش را دارد و در مقام کارگردان هم امضای شخصی خود را حفظ کرده است. همین شناخت باعث شد با اطمینان کامل در این پروژه کنار او قرار بگیرم.

○ در مقام بازیگر، مهم‌ترین ویژگی نقش حاتم چیست؟

حاتم نماینده نسلی است که تصور می‌کند حق تصمیم‌گیری برای دیگران را دارد. اما هرچه جلوتر می‌رویم، پیچیدگی‌های روانی او آشکار می‌شود و مخاطب متوجه می‌شود که این شخصیت فقط یک چهره مقتدر و مستبد نیست. بزرگ‌ترین چالش برای من این بود که باید شخصیتی حدود هفتاد یا هشتاد و پنج ساله را بازی می‌کردم؛ فردی که اقتدار و خشونت در رفتار او نهادینه شده است. نقش بسیار دشواری بود اما خوشبختانه بازخوردی که از مخاطبان دریافت کرده‌ام نشان می‌دهد حاتم را باور کرده‌اند و این برای یک بازیگر ارزشمندترین اتفاق است.

○ به عنوان تهیه‌کننده، مهم‌ترین دغدغه شما در تولید تئاتر امروز چیست؟

بدون تردید شرایط اقتصادی امروز، تولید یک نمایش حرفه‌ای بیش از هر زمان دیگری دشوار شده است. هزینه‌های دکور، لباس، تبلیغات، دستمزد عوامل و حتی موارد ساده‌ای مثل چاپ بروشور به شدت افزایش پیدا کرده‌اند و در بسیاری از موارد دخل و خرج پروژه‌ها با هم همخوانی ندارد. اگر برای این وضعیت چاره‌ای اندیشیده نشود، در آینده نزدیک تولید آثار باکیفیت با بحران جدی مواجه خواهد شد. تئاتر برای ادامه حیات خود نیازمند حمایت و برنامه‌ریزی دقیق است.

○ «کشتارگاه» گروه بازیگران پرشماری دارد. مدیریت چنین گروهی چه دشواری‌هایی داشت؟

طبیعتاً هرچه تعداد عوامل بیشتر باشد، هماهنگی‌ها هم پیچیده‌تر می‌شود. اما خوشبختانه گروه «کشتارگاه» بیشتر از آنکه یک پروژه باشد، یک خانواده است. همدلی و همراهی اعضای گروه باعث شد بسیاری از مشکلات احتمالی به وجود نیاید. یکی از بهترین تجربی‌های تهیه‌کنندگی من همین فضای صمیمی و حرفه‌ای است که در این پروژه شکل گرفت.

○ در شرایطی که بسیاری از نمایش‌ها به سمت اجراهای مینیمال و کم‌بازبر رفته‌اند، چرا «کشتارگاه» چنین گروه بزرگی دارد؟

چون متن این ضرورت را ایجاد می‌کرد. من معتقدم اگر نمایشنامه‌ای به حضور تعداد زیادی شخصیت نیاز داشته باشد، حذف آنها صرفاً به دلیل مسائل اقتصادی به روایت آسیب می‌زند. در «کشتارگاه» هر شخصیت کارکرد مشخصی دارد و حذف هر کدام از آنها می‌توانست بخشی از جهان نمایش را ناقص کند. به همین دلیل حضور این تعداد بازیگر برای روایت اثر کاملاً ضروری بود.

○ اجرا در تماشاخانه ایرانشهر چه امکانات و محدودیت‌هایی برای شما ایجاد کرد؟

ایرانشهر یکی از مهم‌ترین و حرفه‌ای‌ترین سالن‌های تئاتر کشور است و مدیریت مجموعه نیز همکاری بسیار خوبی با گروه‌ها دارد. با این حال محدودیت تعداد سالن‌های استاندارد در تهران باعث شده بسیاری از اجراها به صورت هم‌زمان در یک مجموعه روی صحنه بروند. این موضوع گاهی در زمینه امکانات فنی، نور، فضاهای پشت صحنه و برنامه‌ریزی اجرایی چالش‌هایی ایجاد می‌کند اما خوشبختانه مجموعه ایرانشهر تلاش می‌کند این مشکلات تا حد امکان مدیریت شود.

○ آینده حرفه‌ای خود را بیشتر در بازیگری می‌بینید یا تهیه‌کنندگی؟

برای من هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارد. از کودکی در فضای هنرهای نمایشی حضور داشته‌ام و در بخش‌های مختلفی از این حوزه فعالیت کرده‌ام؛ از بازیگری و کارگردانی گرفته تا طراحی صحنه و تهیه‌کنندگی. اگر اثری دغدغه‌های ذهنی من را داشته باشد، در هر جایگاهی که بتوانم به آن کمک کنم حضور خواهم داشت. تئاتر برای من فقط یک حرفه نیست؛ بخشی از زندگی و حال خوب من است.

○ صحبت پایانی؟

فکر می‌کنم نکته مهم این است که هنرمندان همیشه یک قدم جلوتر از جامعه حرکت می‌کنند؛ نه به این معنا که از مردم جدا باشند، بلکه به این معنا که زودتر از دیگران به سراغ دغدغه‌ها، آسیب‌ها و مسائلی می‌روند که جامعه ممکن است بعداً با پیامدهای آن مواجه شود. هنر در بهترین شکل خود می‌تواند به روشن شدن نگاه ما نسبت به پیرامون و ریاست اجتماعی‌مان کمک کند. امروز، شرایطی که جامعه با انواع فشارهای روانی، اقتصادی و اجتماعی روبه‌روست و تبعات بحران‌ها بر زندگی روزمره مردم تأثیر گذاشته، مسئولیت هنرمندان نیز سنگین‌تر از گذشته شده است. به نظر ما باید از ظرفیت هنر برای تلطیف فضا، ایجاد امید و کمک به آرامش روانی جامعه استفاده کنیم. این شاید یکی از مهم‌ترین وظایف هنرمند در چنین روزهایی باشد. خوشبختانه می‌بینیم که بسیاری از گروه‌های نمایشی، با وجود همه دشواری‌ها و محدودیت‌ها، همچنان روی صحنه می‌روند و تلاش می‌کنند نقش اجتماعی خود را ایفا کنند. در شرایطی که حتی امکانات تبلیغاتی نیز محدود شده، این استمرار و پایداری ارزشمند است. امیدوارم مردم هم پیش از پیش از تئاتر حمایت کنند و به سالن‌های نمایش بیایند. حضور تماشاگران بزرگ‌ترین دلگرمی برای هنرمندان است و نفس مخاطب به اجرای زنده معنا می‌بخشد. آرزو می‌کنم شرایط به سمتی برود که هنرمندان بتوانند با آرامش بیشتری وظیفه فرهنگی و اجتماعی خود را انجام دهند و تئاتر همچنان به عنوان فضایی برای گفت‌وگو، اندیشیدن و بهتر زیستن در کنار مردم باقی بماند.



گفت‌وگو با مهسا مهجور، بازیگر:

چند ساعت پس از خاکسپاری مادرم روی صحنه رفتیم

مهسا مهجور، بازیگر تئاتر و سینما، فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبائی و دارنده دیپلم بازیگری تئاتر از مدرسه هنر و ادبیات است. او که در کارنامه خود جوایز متعددی از جمله جایزه بین‌المللی بهترین بازیگر نقش اول زن تئاتر از جشنواره روس لوبنیا روسیه را دارد، این روزها با ایفای نقش «خیری» در نمایش «کشتارگاه» به کارگردانی کاوه مهدوی روی صحنه است. مهجور معتقد است خیری زنی است که پشت سکوت‌ها، زخم‌ها و ناگفته‌هایش جهانی پنهان جریان دارد؛ شخصیتی که برای بقا، پوست سختی بر تن کرده و در میانه یک تراژدی عاشقانه است.

○ در «کشتارگاه» شخصیت‌ها اغلب گذشته‌ای نادیده و زخم‌هایی پنهان دارند. برای ساختن پیشینه ذهنی شخصیت خود تا چه اندازه دست به طراحی و شخصیت‌پردازی شخصی زدید؟

قاعدتاً از اصول بازیگری تئاتر استفاده کردم. شخصیت را خواندم و برای خودم طراحی کردم؛ هم از نظر ظاهری و هم از نظر قصه زندگی. برای خیری گذشته ساختم، روزهایی از زندگی‌اش را در ذهنم تصویر کردم و حتی داستان‌هایی برای او نوشتم. بعد این برداشت‌ها را با کاوه مهدوی در میان گذاشتم و درباره آن‌ها به توافق رسیدیم. حتی در برخی بخش‌های متن، بر اساس همین شخصیت‌پردازی، دیالوگ‌هایی حذف یا اضافه شد و یا لحن بیان آن‌ها تغییر کرد.

○ نقش شما تا چه حد بر ناگفته‌ها و سکوت‌ها استوار است؟ در چنین شرایطی چگونه تلاش می‌کنید احساسات شخصیت را بدون اتکا به دیالوگ منتقل کنید؟

شاید بیش از همه شخصیت خیری پر از ناگفته‌ها و سکوت‌هاست و این کاملاً تصمیم آگاهانه نویسنده و کارگردان بوده است؛ چون گره اصلی نمایش در پایان به دست خیری و خاندانی‌ها می‌شود. من سعی کردم با میمیک صورت، ژست‌های بدنی و رفتارهای جزئی به تماشاگر این حس را منتقل کنم که پشت این سکوت‌ها، رازی پنهان است. اصولاً از آن دسته بازیگرانی هستم که اعتقاد دارم بسیاری از چیزها را می‌توان بدون دیالوگ منتقل کرد. به نظر من تئاتر هم کلوزآپ وجود دارد؛ فقط باید بلد باشیم با بدن، نگاه و حضور صحنه آن را خلق کنیم.

○ نمایش «کشتارگاه» فضایی دارد که مدام میان واقعیت بیرونی و تنش‌های درونی شخصیت‌ها در رفت‌وآمد است. حفظ این تعادل در بازیگری چه دشواری‌هایی برای شما ایجاد کرد؟

اتفاقاً همین دشواری برای من جذاب بود. خیری روی لبه تیغ حرکت می‌کند. هر شب بعد از اجرا از همکارانم و حتی از آقای مهدوی می‌پرسم که آیا این شخصیت از تعادل خارج نشده است؟ به این نتیجه رسیدم که خیری برای محافظت از خودش، بخشی از زنانگی‌اش را از دست داده و وارد جهان مردانه شده است. او برای زنده ماندن پوست سختی به تن کرده. برای رسیدن به این ویژگی، بیشتر از مردان

الهام گرفتم؛ از نحوه راه رفتن، ایستادن، نگاه کردن و حتی برداشتن اشیاء. شاید نمونه دقیق این شخصیت را در زندگی ندیده باشم، اما آدم‌های زیادی را دیده‌ام که برای محافظت از خودشان ناچار شده‌اند پوسته‌ای سخت بر تن کنند.

○ در بسیاری از صحنه‌های نمایش، تنش از دل روابط میان شخصیت‌ها شکل می‌گیرد نه از رویدادهای بیرونی. این موضوع چه تأثیری بر ریتیم بازی شما گذاشت؟

ریتیم در تئاتر یک امر جمعی است. من سعی کردم رابطه خیری با هر شخصیت را متفاوت ببینم؛ با خاندانی‌ها یک جور، با کلی یک جور، با نازی و نوشابه و اشتر هر کدام به شکلی دیگر. این تفاوت روابط است که ریتیم را می‌سازد. بازیگر نمی‌تواند جدا از ریتیم گروه عمل کند و من هم مثل همه اعضای گروه تلاش کردم از این جریان عقب نمانم.

○ همکاری با کاوه مهدوی در هدایت بازیگران چگونه بود؟

کاوه مهدوی از آن دسته کارگردان‌هایی است که هم به جزئیات روان‌شناختی شخصیت‌ها توجه دارد و هم به میزانشن، ریتیم و ساختار کلی اجرا.

○ به نظر می‌رسد «کشتارگاه» قضاوت قطعی درباره شخصیت‌هایش ارائه نمی‌دهد. شما به عنوان بازیگر تا چه اندازه تلاش کردید از داوری کردن شخصیت خود فاصله بگیرید؟

برای ساختن شخصیت ناچار بودم او را قضاوت کنم تا بفهمم چرا به این نقطه رسیده است، اما تمام تلاشم این بود که تماشاگر را به یک قضاوت قطعی نرسانم. بازخوردهای مختلفی دریافت کرده‌ام؛ بعضی‌ها خیری را قربانی می‌دانند، بعضی‌ها او را شورشگری می‌بینند که علیه سال‌ها سرکوب طغیان کرده است. این چندصدایی برای من ارزشمند است.

○ اگر بخواهید با یک جمله جوهره شخصیت خود در «کشتارگاه» را توصیف کنید، آن جمله چیست؟

«آره راست می‌گی؛ مگر این‌که بخوام منم دستی به ریشم بزنم، اونم با قیچی... چون این دستا دیگه نوازش کردن یادشون رفته؛ این دستا مثل دستای خودت فقط میتونن خر خورد کنند.»

○ فکر می‌کنید مهم‌ترین پرسشی که «کشتارگاه» پس از پایان اجرا در ذهن مخاطب باقی می‌گذارد چیست؟

شاید مهم‌ترین پرسش این باشد که این چرخه چه زمانی و چگونه تمام می‌شود؟ چرخه‌ای که در هر دوره، هر نسل و شاید هر جامعه‌ای به شکلی تکرار می‌شود.

○ صحبت پایانی

پیش از هر چیز دوست دارم از تمام اعضای گروه «کشتارگاه» تشکر کنم. در روزهای آغاز اجرا، مادرم را از دست دادم؛ اتفاقی که هرگز تصورش را نمی‌کردم. تنها چند ساعت پس از خاکسپاری او روی صحنه رفتیم و اگر عشق و حمایت همکارانم نبود، نمی‌دانم چه بر سرم می‌آمد. آن‌ها با مهری و همراهی‌شان کمک کردند این دوران سخت را پشت سر بگذارم. از مدیریت تماشاخانه ایرانشهر، به‌ویژه امین اشرفی عزیز نیز سپاسگزارم که در آن روزها کنارم بودند. همچنین می‌خواهم از دخترم، لنیا نسیمی، تشکر کنم. زمانی که در یکی از آثار قبلی کاوه مهدوی بازی می‌کردم، او را باردار بودم و امروز لنیا در کنار من روی صحنه «کشتارگاه» حضور دارد. او در نخستین تجربه جدی بازیگری‌اش با فقدان مادر بزرگش روبه‌رو شد، اما رفتاری حرفه‌ای و تحسین‌برانگیز داشت. برای روح مادرم آرزوی آرامش دارم و امیدوارم تماشاگران نیز با جهان این نمایش و پرسش‌هایی که مطرح می‌کند همراه شوند.